

تحلیلی بر نقش سرمایه‌های انسانی در توسعه شهر کاشان

محسن شاطریان^۱: استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

امیر اشنویی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، یزد، ایران

محمود گنجی پور: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

در عصر حاضر توسعه به عنوان یکی از بنیان‌های اثبات، در برنامه‌ریزی همه کشورها قرار دارد و مانند فراگردی جامع با ابعاد اقتصادی- اجتماعی، مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و به عنوان راهبرد و مدلی متعالی مطرح می‌شود، در این تحقیق به سرمایه انسانی به عنوان یکی از پیش شرط‌های اساسی توسعه پرداخته شده است. سرمایه انسانی دارای ابعادی است که در این تحقیق سعی شده هر یک از آنها بررسی شود. این ابعاد عبارتند از رسانه‌های ارتباط جمعی، آموزش و تخصص، انگیزه پیشرفت، کارآفرینی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی که رابطه آنها با توسعه شهری سنجیده شده است. جامعه آماری این تحقیق را شهروندان کاشانی سنین ۲۰ تا ۵۰ سال تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۳۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش تحقیق اسنادی و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون، خی دو و مدل تحلیل مسیر استفاده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین همه متغیرها به غیر از رسانه‌های جمعی، ارتباط معناداری با توسعه شهری دارند. همچنین نتایج مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد متغیر آموزش با ۸۳ درصد، کارآفرینی با ۷۸ درصد و سرمایه اجتماعی با ۷۴ درصد، بیشترین تأثیر را بر توسعه داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: توسعه شهری، سرمایه انسانی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کاشان.

^۱ . نویسنده مسئول: shaterian@kashanu.ac.ir، ۹۱۳۳۶۱۹۵۷۱

بیان مسأله:

سهم عمده‌ای از ثروت و درآمد کشورها در شهرها ایجاد می‌شوند. شهرها نقش بسیار عمده در توسعه ایفا می‌کنند. فرایند جهانی شدن از یک طرف با تغییر نقش اقتصادی شهرها و از طرف دیگر با افزایش کارکردهای جدید اقتصادی- اجتماعی همراه است. از طریق شهرها اجزای اقتصاد جهانی به هم وصل می‌شوند و جریان‌های تولید، توزیع و مصرف در سطح جهانی سازمان می‌یابد. شهرها دیگر به مراکز صنعتی، تولید انبوه و حوزه نفوذ وابسته نیستند و کارکرد اصلی شان انباشت سرمایه نیست، بلکه وظایف تولید، انباشت و توزیع دانش، اطلاعات و فرهنگ یعنی سرمایه انسانی را در مقیاس ملی و فراملی بر عهده دارند (عسگری، ۱۳۸۰: ۱۰). در این راستا مهم‌ترین مصادیق سرمایه انسانی؛ آموزش‌ها، تخصص‌ها، مهارت‌ها، خلاقیت و ابتکار، میزان اعتماد به نفس، شخصیت خودباور، منطقی و متعادل و ویژگی‌های درونی و رفتاری همچون سخت کوشی، نظم و پویایی را شامل می‌شود. در هزاره سوم و در الگوی جدید توسعه یافتگی که بر مدار و محور شخص انسان شکل می‌گیرد، با ارزش‌ترین سرمایه و بزرگترین دارایی قابل محاسبه در هر شهر و کشوری، سرمایه انسانی آن محسوب می‌شود. مؤثرترین امتیاز شهرها در عصر جدید، میزان برخورداری آن‌ها از سرمایه انسانی است و شهری توسعه یافته تر محسوب می‌شود که از سهم بیشتری در منابع انسانی برخوردار باشد (نظری، ۱۳۸۹: ۶۲). همچنین شهرها فراتر از «باز تولید ساده»، در زمینه «باز تولید گسترش یابنده» نیز دخالت دارند. آن‌ها با انباشت سرمایه، دانش، اطلاعات، مدیریت، رسانه‌ها، مهمترین نقش را در باز تولید اقتصادی- اجتماعی در سطح منطقه‌ای، ملی و بین المللی ایفا می‌کنند.

چشم‌انداز پیشرفت شهرها از جمله شهر کاشان، منابع انسانی را به عنوان نقطه تمرکز جدید برای پیشرفت در نظر می‌گیرد. شهر کاشان دارای مبانی فرهنگی قدرتمند در سطح ملی و بین المللی است. راهبرد پیشرفت آن باید بر منابع رقابتی شامل منابع انسانی، توسعه دانش و مهارت، کیفیت زندگی، طراحی و نوآوری پیشرفته مبتنی باشد. کسب اطمینان از توان یادگیری منابع انسانی و انتقال صحیح دانش و مهارت به نیروی انسانی یکی از شرایط اساسی برای حفظ و ارتقای شاخص‌های پیشرفت و توسعه مطلوب می‌باشد که نیازمند مشارکت قوی نهادهای متنوع آموزشی و پژوهشی و نوآوری می‌باشد که در امر آموزش، ارتقای مهارت‌ها، طراحی، نوآوری و اطلاعات فعالیت می‌کنند. در این تحقیق به دنبال بررسی نقش سرمایه انسانی در توسعه شهری کاشان هستیم. مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه انسانی که در توسعه شهری مؤثرند و در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند شامل رسانه، آموزش، انگیزه و کارآفرینی و مشارکت اجتماعی می‌باشد. با الهام و بهره‌گیری از رویکردهای نظری مطرح شده در این نوشتار و برای تبیین وضعیت توسعه در شهر کاشان، فرضیه‌های تحقیق در زیر آمده است.

۱. بین رسانه‌های ارتباط جمعی و نگرش به توسعه شهری رابطه وجود دارد.
۲. بین آموزش و تخصص و نگرش به توسعه شهری رابطه وجود دارد.
۳. بین انگیزه پیشرفت و کارآفرینی و نگرش به توسعه شهری رابطه وجود دارد.
۴. بین مشارکت اجتماعی و نگرش به توسعه شهری رابطه وجود دارد.
۵. بین سرمایه اجتماعی و نگرش به توسعه شهری رابطه وجود دارد.
۶. بین محل سکونت و نگرش به توسعه شهری رابطه وجود دارد.

ادبیات نظری:

اصطلاح توسعه که به شکلی فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است (فرجادی، ۱۳۷۰: ۹)، به لحاظ لغوی به معنی خروج از لفافه است. لفافه از دیدگاه صاحب نظران نسل اول توسعه، به معنی خروج از جامعه سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است. به اعتقاد آن‌ها برای دستیابی به توسعه باید از مرحله سنتی خارج شد و به تجدد رسید. الگویی که مورد توجه افرادی چون لرنر، شرام و راجرز بود. اما امروزه مفهوم توسعه از دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران، همه جنبه‌های زندگی بشر را در برمی‌گیرد. توسعه از نیازهای انسانی آغاز می‌شود تا به مسائل مربوط به زندگی معنوی انسان نیز برسد. به اعتقاد مایکل تودارو، توسعه فرآیندی است که باید از ابعاد گوناگون به آن نگریده شود و مستلزم تغییراتی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم، کاهش نابرابری، تسریع رشد اقتصادی و ریشه کن ساختن فقر مطلق در ابعاد مختلف است (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۸). از

این‌رو، محققان در زمینه تغییرات اجتماعی سه فرآیند اصلی را شامل توسعه اجتماعی-اقتصادی، تغییرات ارزشی و اعمال دموکراتیک جوامع، مهم دانسته‌اند. اساسی‌ترین این فرآیندها، توسعه اجتماعی-اقتصادی است که بیش از دو فرآیند دیگر بدان پرداخته‌اند (ولز و همکاران، ۱۳۸۲: ۳) که در ادامه آن را از طریق سرمایه انسانی تشریح می‌کنیم.

سیمون کوزنتس برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۱ معتقد بود که سرمایه‌گذاری در آموزش منبع مهمی برای تشکیل سرمایه انسانی، نظیر توانا ساختن نیروی کار و پیشرفت دانش فنی در تولید محسوب می‌شود و سرمایه انسانی را عامل مهمی در توسعه اقتصادی کشور به حساب می‌آورد (سیحانی، ۱۳۷۱: ۷۸). همچنین، شولتز پدر نظریه سرمایه انسانی معتقد بود که نقش بهبود کیفیت نیروی کار که از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی حاصل می‌شود، به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد در تحلیل‌های سنتی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی فراموش شده است (شولتز، ۱۹۶۱). به همین دلیل، گروهی از اقتصاددانان با استفاده از توابع تولید تلاش کردند تا تولید اضافی ایجاد شده به وسیله سطوح بالاتر آموزش را برآورد کنند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۱). در منابع و پژوهش‌های مربوط به نقش آموزش در رشد اقتصادی، ساخاروپولوس پیدایش نظریه سرمایه انسانی را به سولو نسبت می‌دهد (متوسلی، ۱۳۷۰ و ساخاروپولوس، ۱۳۷۱). آدام اسمیت به صورت گسترده به مهارت نیروی کار و نقش تقسیم کار اشاره دارد، وی مهارت نیروی کار را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی در نظر گرفته و دانش انسانی را جز سرمایه ثابت فرض نموده است. به نظر او سرمایه انسانی شامل دانش‌های مفیدی است که افراد جامعه کسب می‌کنند.

توماس رابرت مالتوس نیز آموزش را متغیر کلیدی سرمایه‌گذاری و با ارزش می‌داند و معتقد است که آموزش و پرورش بر نظم و اخلاق اجتماعی اثر می‌گذارد. او آموزش را برای حفظ آزادی فردی و تقویت عادات دور اندیشی در افراد ضروری می‌داند (ستاری فر، ۱۳۷۴: ۱۹۰) و به نظر فردریک لیست، آموزش همان چیزی است که قدرت تولیدی نسل‌های جوان را تقویت و تأمین می‌نماید (لیست، ۱۳۷۰: ۱۴۷). مایه معتقد است که در مراحل اولیه توسعه یافتگی، اگر چه سرمایه‌گذاری بر روی منابع و سرمایه‌های فیزیکی لازم و پراهمیت است، لیکن آنچه اصلی‌تر و مهم‌تر است، همانا سرمایه‌گذاری بر روی دانش و مهارت و استفاده از تجارب است. بهبود در این قلمروها، باعث افزایش کیفیت عامل انسانی شده که این ارتقای کیفیت در عامل انسانی، پیامدهای گسترده‌ای از جمله بهبود در بهره‌وری سرمایه فیزیکی و مادی را نیز به همراه خواهد داشت (مایه، ۱۳۷۸: ۵۴).

مینسر (۱۹۸۵) در مورد هماهنگی و توازن بین تشکیل سرمایه انسانی و تشکیل سرمایه فیزیکی در کشورهای در حال توسعه برای توسعه اقتصادی-اجتماعی بیان می‌کند که برای تحقق رشد و توسعه، لازم است که برنامه‌ریزی در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به شیوه متعادل و متوازن انجام پذیرد.

درباره نقش رسانه در توسعه اجتماعی و اقتصادی نظریات متفاوتی مطرح است. برخی چون مک لوهان واضع دهکده جهانی، منشأ تحول در جوامع را رشد و گسترش رسانه‌ها و به عکس برخی از نظریه‌پردازان نو اندیش عصر جدید، رسانه‌ها را محصول و نتیجه توسعه می‌دانند. در این بین عده‌ای نیز معتقدند رسانه‌ها می‌توانند هم محرک توسعه باشند و هم نتیجه آن (معتدنازاد، ۱۳۸۴: ۲۵). برخی دیگر نظریه‌ها تحت تأثیر عوامل سیاسی و آگاهی‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. در این نظریه-ها، رسانه‌ها و ارتباطات را حاملان اندیشه‌های مسلط توسعه در نظر می‌گیرند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم، آن را در برگیرنده یک نقش تسهیل‌کننده برای ورود دیدگاه‌های سرمایه‌داری مسلط و تغییر ارزش‌ها و هنجارها در جامعه می‌دانند و اینجاست که مطالعات انتقادی شامل وجه غالب مباحث ارتباطات و توسعه می‌شوند. متفکرانی مثل شیلر و بخشی از نظریات جدید راجرز از آن جمله‌اند که معتقدند به جای الگوی واحد و خطی، باید الگوهای متنوع یا مسیر متفاوت توسعه در کشورهای مختلف را به کار گرفت (بی‌ماتور، ۱۳۷۶: ۸۴).

دانیل لرنر در کتاب گذر از جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه را با استفاده از الگوی علیتی بیان می‌دارد. این الگو بر توالی تحولات نهادی استوار است، تحولاتی که به رشد خود توان و نوگرایی منجر می‌شود: شهرنشینی، سوادآموزی، گسترش رسانه‌های جمعی، درآمد سرانه بیشتر و مشارکت سیاسی. بر این اساس، هر جا شهرنشینی افزایش یافته، به رشد سوادآموزی منجر شده و رشد سوادآموزی باعث شده تا مردم از رسانه‌ها بیشتر استفاده کنند و هرگاه مردم بیشتر از همیشه تحت پوشش

رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، مشارکت اقتصادی و مشارکت سیاسی اوج گرفته است (لرنر، ۱۳۸۳: ۱۲۷). همچنین مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی موجب افزایش در سرمایه انسانی می‌شود (سوری و مهرگان، ۱۳۸۶: ۲۱۰). جیمز کلن (۱۹۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی می‌پردازد. وی بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی منبعی برای یک جامعه یا سازمان است که موجب می‌شود تا در افراد سرمایه گذاری صورت بگیرد. از دیدگاه اقتصادی می‌توان سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از انواع سرمایه‌های هر سازمان یا اجتماع در نظر گرفت.

در الگوهای گذشته، تنها عامل انسانی در انواع سرمایه‌ها، سرمایه انسانی بود که بیشتر مبتنی بر تعداد، تخصص‌ها، دانش و مهارت‌های نیروی انسانی در سطوح مختلف کارکنان و مدیران است. اما توجه به یک سازمان به عنوان یک سیستم اجتماعی منجر به این امر می‌شود که سرمایه اجتماعی نیز به عنوان نشان دهنده ارزش اقتصادی شبکه‌های اعتماد و کاهش دهنده هزینه‌های مبادلات و تعاملات در این فهرست قرار گیرند. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی بیانگر ذخیره اقتصادی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی مابین سرمایه‌های انسانی است. یکی از الگوهای مفهومی، سرمایه اجتماعی را در سطوح مختلف مورد بحث قرار می‌دهد. بر این اساس سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو سطح کلان^۱ و سطح^۲ خرد مورد توجه قرار داد (کریشنا و شریدر، ۱۹۹۹). در سطح کلان درباره جایگاه کلی یک سازمان در زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و شبکه‌های ارتباطات بیرونی بحث شده و در سطح خرد به دو نوع سرمایه اجتماعی موجود در داخل سازمان پرداخته می‌شود. نوع اول سرمایه اجتماعی در سطح خرد، سرمایه اجتماعی شناختی^۳ نام داشته و در رابطه با پدیده‌هایی نظیر ارزش‌ها، نگرش‌ها، تعهدات، مشارکت، اعتماد موجود در سیستم اجتماعی سازمان است و نوع دوم نیز سرمایه اجتماعی ساختاری^۴ نامیده می‌شود که در رابطه با ساختارها و فرایندهای مدیریتی نظیر پاسخگویی مدیران و رهبران در قبال عملکردشان، شفافیت در تصمیم‌گیری، میزان تصمیم‌گیری و اقدام بر اساس کار گروهی است. البته به نظر می‌رسد که در این الگو نیز محور اصلی، مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی است. در مجموع می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی عبارت است از تأثیر اقتصادی حاصل از تسهیلاتی که شبکه‌های اعتماد و مؤلفه‌های فرهنگی در یک سیستم اجتماعی را به وجود می‌آورند. شبکه‌های اعتماد علاوه بر کاهش هزینه‌های مدیریتی، موجب می‌شوند که زمان و سرمایه بیشتری اختصاص به فعالیت‌های اصلی پیدا کرده و علاوه بر آن موجب انتقال دانش اعضای گروه‌ها به یکدیگر شده و جریان مناسبی را از یادگیری و دانش در بین آن‌ها فراهم می‌سازد و این امر نیز می‌تواند در کاهش هزینه‌های مدیریتی و توسعه اجتماعی و سازمانی بسیار مؤثر باشد.

روش تحقیق:

روش پژوهش حاضر، روش اسنادی و پیمایشی است. با استفاده از روش اسنادی، ابعاد مفهومی و نظری موضوع مورد بررسی قرار گرفته و از روش پیمایشی نیز برای بررسی چگونگی توزیع و روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل استفاده شده است. در روش پیمایشی، پس از گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه و پردازش داده‌ها با نرم افزار SPSS، با توجه به سطح سنجش متغیرها از روش‌های آماری توصیفی (جدول توزیع فراوانی) و آماره‌های استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، خی دو و تحلیل مسیر) استفاده شده است.

در تحقیق حاضر، جهت افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار صاحب نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین پایایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود. (جدول شماره ۱).

- 1 . Macro Level
- 2 . Micro Level
- 3 . Capital Cognitive Social
- 4 . Capital Structural Social

جدول ۱- نتایج آزمون پایایی متغیرها

ابعاد	رسانه‌های جمعی	آموزش و تخصص	انگیزه پیشرفت	کار آفرینی	مشارکت اجتماعی	سرمایه اجتماعی
ضریب آلفا	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۸۳	۰/۷۷	۰/۷۱	۰/۸۰

بر این اساس با توجه به اینکه در آزمون پایلوت پایایی به حد نصاب ۰/۷ رسیده و میزان آلفای محاسبه شده اعداد مطلوبی هستند و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند. جامعه آماری تحقیق، ۱۰۵۳۵۰ نفر شهروندان کاشانی هستند که در بین سنین ۲۰ تا ۵۰ سال قرار دارند. به منظور انجام این تحقیق پرسشنامه را در سه منطقه بالای شهر، مرکز و پایین شهر پخش نموده‌ایم تا با توجه به محل سکونت نوع نگرش آن‌ها به مسائل توسعه را بسنجیم. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری با ۵ درصد خطا، حجم نمونه ۳۳۶ نفر انتخاب شدند.

یافته‌های توصیفی تحقیق:

با توجه به نتایج بدست آمده، در مورد نمونه مورد بررسی، تعداد ۱۹۵ نفر (۵۱/۰۳ درصد) مرد و تعداد ۱۳۸ نفر (۴۱/۰۷ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. از نظر وضعیت تاهل، ۴۲ درصد مجرد و ۵۸ درصد متاهل اند. به لحاظ نوع شغل، ۲۸ درصد کارمند، ۱۹/۶ درصد کارگر، ۴۰/۱ درصد شغل آزاد و ۱۰/۷ درصد سایر مشاغل را تشکیل می‌دادند. محل تولد ۸۲/۳ درصد شهر کاشان، ۱۰/۷ درصد استان اصفهان و ۸/۹ درصد سایر استان‌ها را شامل بود و ۶۹/۶ درصد مالک منزل مسکونی و ۳۰/۳ درصد به صورت اجاره‌ای و رهنی در منزل مسکونی خود زندگی می‌کردند.

متغیر وابسته تحقیق، نگرش به توسعه شهری است. همچنان که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود، ۱۴۴ نفر (۴۲/۸ درصد) کاملاً موافق، ۱۰۵ نفر (۳۱/۲ درصد) موافق با توسعه شهری بوده‌اند. علاوه بر این، میانگین بدست آمده از داده‌های متغیر وابسته، ۷۱ درصد است یعنی اینکه ۷۱ درصد از پاسخگویان به طور متوسط به سؤال‌ها پاسخ داده‌اند.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نگرش به ابعاد توسعه شهری

متغیر	کاملاً موافقم	موافقم	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
توسعه	۱۴۴	۱۰۵	۱۲	۳۰	۱۵
درصد	۴۲/۸	۳۱/۲	۳/۵	۸/۹	۴/۴

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

در راستای تحلیل داده‌ها در جدول شماره ۳ هفت متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفت. متغیر اول شامل رسانه‌های جمعی بوده است. ۸۴/۷ درصد از پاسخگویان با این نکته موافق بوده‌اند که رسانه‌ها با همه‌گیر کردن یک برنامه هم می‌توانند آن را نهادینه کنند و هم می‌توانند فرهنگ‌های جدیدی را در عرصه توسعه ارائه دهند. متغیر دوم، آموزش می‌باشد. اکثر پاسخگویان معتقدند که آموزش، می‌تواند محیط اجتماعی رشد یافته‌ای را ایجاد کند و باعث گسترش خلاقیت، کاهش فقر، تحقق عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی شود. متغیر مشارکت اجتماعی، متغیر دیگری است که پاسخگویان درباره آن مورد سوال قرار گرفته‌اند. بیش از ۹۰ درصد از آن‌ها، اظهار کرده‌اند که مشارکت اجتماعی باعث علاقه افراد به نظم، متعهد شدن به منافع عمومی، آگاهی از وظایف متقابل دولت و ملت می‌شود.

۷۴ درصد از پاسخگویان معتقدند که افراد با انگیزه پیشرفت بالا در برابر فشارهای اجتماعی مقاوم تر هستند و رضایت شغلی بیشتری دارند و با وجود عدم توان مالی مناسب هم می‌توان فرد موفق بود. در مجموع می‌توان گفت که پاسخگویان انگیزه پیشرفت و کارآفرینی بالایی دارند.

سرمایه اجتماعی متغیر دیگری بود که از پاسخگویان مورد سوال قرار گرفت. بر اساس پاسخ های آنان، بیش از ۹۱ درصد موافق با احترام به حقوق دیگران و افتخار به محل زندگی بودند همچنین به نهاد آموزش پرورش، برنامه های دولت، عملکرد روحانیون در تحکیم باورهای دینی اعتماد کامل داشتند.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شاخص های مربوطه

متغیر	کاملاً موافقم	موافقم	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
رسانه های جمعی	۱۷۷	۱۰۸	۲۱	۱۵	۱۵
درصد	۵۲/۶	۳۲/۱	۲/۶	۴/۴	۴/۴
آموزش	۲۱۰	۹۶	۶	۱۵	۹
درصد	۶۲/۵	۲۸/۵	۱/۷	۴/۴	۲/۶
مشارکت اجتماعی	۱۸۰	۱۲۶	۱۲	۱۵	۱۲
درصد	۵۳/۵	۳۷/۵	۳/۵	۴/۴	۳/۵
پیشرفت و کارآفرینی	۱۴۴	۱۰۵	۵۱	۳۰	۱۲
درصد	۴۲/۸	۳۱/۲	۱۵/۱	۸/۹	۳/۵
سرمایه اجتماعی	۲۰۱	۱۰۲	۱۲	۲۴	۱۲
درصد	۵۹/۸	۳۰/۳	۳/۵	۷/۱	۳/۵

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

علاوه بر این ها، با توجه به محل سکونت نیز پاسخگویان مورد سوال قرار گرفتند. کسانی که در بالای شهر سکونت داشته اند بیشتر به توسعه توجه داشته اند به این معنا که ۷۵/۶ درصد از آن ها با توسعه موافق بوده اند، در حالی که کسانی که در پایین شهر زندگی می کردند بیشتر به مسائل معیشتی توجه داشته اند و تنها ۴۳/۲ درصد به مسائل توسعه اجتماعی توجه داشته اند. کسانی هم که در مرکز شهر بوده اند ۶۰/۵ درصد با مسئله توسعه موافق بوده اند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- محل سکونت و نگرش به توسعه

محل سکونت	فراوانی	موافق	درصد	مخالف	درصد
بالای شهر	۱۱۱	۸۴	۷۵/۶	۲۷	۲۴/۳
مرکز شهر	۱۱۴	۶۹	۶۰/۵	۴۵	۳۹/۴
پایین شهر	۱۱۱	۴۸	۴۳/۲	۶۳	۷۵/۶
جمع	۳۳۶	۲۰۱	-	۱۳۵	-

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱.

آزمون فرضیه های تحقیق:

فرضیه اول: رابطه بین رسانه های جمعی و توسعه شهری کاشان را مورد سنجش قرار می دهد. نتایج بدست آمده در مورد رابطه این متغیر با نگرش به توسعه با استفاده از آزمون پیرسون نشان می دهد که با توجه به سطح معنی داری که بیشتر از ۰/۵ می باشد، میان این متغیرها رابطه وجود ندارد و فرضیه رد می شود. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر رسانه با نگرش به توسعه شهری

متغیر مستقل	میزان همبستگی	درجه آزادی	سطح معنی داری
رسانه	۱۵۷	۲	۰/۰۹۹

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

فرضیه دوم: درباره ارتباط بین میزان آموزش و تخصص و توسعه شهری کاشان است. نتایج بدست آمده در مورد رابطه این متغیرها با نگرش به توسعه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میان این متغیرها رابطه معنادار وجود دارد. بدین معنا که هر چه قدر بر میزان آموزش و تخصص افزوده شود، میزان سرمایه انسانی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین آموزش و توسعه رابطه مستقیم وجود دارد. آموزش به عنوان یک متغیر مهم در امر توسعه محسوب می‌شود، چراکه به عنوان یک سرمایه انسانی در توسعه جامعه موثر است و همیشه اولین گام در توسعه هر کشور برداشتن موانع آموزشی آن جامعه است. بنابراین اگر بخواهیم یک جامعه پیشرفت کند ابتدا باید راهی پیدا کرد تا آموزش و نهاد آن در جامعه قوی و قدرتمند شود. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر آموزش و تخصص با نگرش به توسعه شهری

متغیر مستقل	میزان همبستگی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
آموزش و تخصص	۲۱۵	۲	۰/۰۲

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

فرضیه سوم: رابطه بین کارآفرینی و انگیزه پیشرفت و رسیدن به توسعه شهر کاشان را مورد آزمون قرار می‌دهد. برای تعیین رابطه و سنجش معنی‌داری رابطه بین دو متغیر فوق، از آزمون پیرسون استفاده شده است. میزان همبستگی برابر با (۰/۷۰۹) و سطح معنی‌داری برابر با (۰/۰۰۰) می‌باشد. در نتیجه وجود رابطه بین دو متغیر فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌گردد. بین کارآفرینی و توسعه انسانی رابطه مستقیم وجود دارد. می‌توانیم بگوییم که انگیزه پیشرفت، عاملی برای کارآفرینی و کارآفرینی مسیری برای رسیدن به توسعه‌ای پایدار است. انگیزه پیشرفت عاملی است که از درون باعث تشویق انسان می‌شود و او را به گام برداشتن در مسیر توسعه و پیشرفت تشویق می‌کند. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر کارآفرینی با نگرش به توسعه شهری

متغیر مستقل	میزان همبستگی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
کارآفرینی	۷۰۹	۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

فرضیه چهارم: رابطه بین مشارکت اجتماعی و گرایش به توسعه شهر کاشان را می‌سنجد، با استفاده از آزمون پیرسون مورد بررسی قرار گرفت و نتایج بدست آمده بیانگر آن است که بین این متغیر و نگرش به توسعه ساکنان شهر کاشان رابطه وجود دارد، بدین معنا که افراد دارای میزان مشارکت اجتماعی بالاتر، میزان و سطح توسعه یافتگی آن جامعه هم بیشتر می‌شود. این فرضیه با نتایج تحقیقات دانیل لرنر درباره شش کشور خاورمیانه و وابستگی توسعه به مشارکت اجتماعی و رابطه متقابل این دو متغیر مطابق می‌باشد. پس هرچه سطح مشارکت بیشتر شود، میزان و سطح توسعه یافتگی آن جامعه هم بیشتر می‌شود. مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عاملی است در اینکه آن‌ها هم خودشان را در سرنوشت جامعه خود دخیل بدانند و سعی در هرچه بهتر شدن آن بکنند. (جدول شماره ۸).

جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت اجتماعی با نگرش به توسعه شهری

متغیر مستقل	میزان همبستگی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مشارکت	۵۴۲	۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

فرضیه بعدی رابطه سرمایه اجتماعی و گرایش به توسعه شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج بدست آمده در مورد رابطه این متغیرها با نگرش به توسعه با استفاده از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از ۰/۰۵

می باشد، میان این متغیرها رابطه وجود دارد و فرضیه تأیید می شود. بنابراین هر چه سرمایه اجتماعی فرد بالاتر باشد، گرایش او به توسعه هم بیشتر می شود. (جدول شماره ۹).

جدول ۹- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه اجتماعی با نگرش به توسعه شهری

متغیر مستقل	میزان همبستگی	درجه آزادی	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی	۴۷۷	۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

فرضیه آخر تحقیق، رابطه میان محل سکونت و نوع نگرش به توسعه را مورد آزمون قرار داد. نتایج جدول شماره ۱۰ که با استفاده از آزمون آماره همبستگی خی دو بدست آمده است، نشان می دهد که ضریب همبستگی ۰/۵۴ و معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($\text{Sig}=0/002$)، فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد. لذا افرادی که در قسمت های بالای شهر زندگی می کنند بیشتر به امر توسعه شهری نظر دارند، در حالی که افرادی که در قسمت پایین شهر هستند تأمین معیشت خود را در اولویت قرار می دهند.

جدول ۱۰- آزمون خی دو بین محل سکونت و نگرش به توسعه شهری

همبستگی	ضریب همبستگی	درجه آزادی	سطح معنی داری
محل سکونت	۰/۵۴	۳	۰/۰۰۲

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

تحلیل مسیر تحقیق:

مدل تئوریک تحقیق، یک مدل علی از نوع تحلیل مسیر است. بوسیله تحلیل مسیر، علاوه بر اینکه شبکه روابط موجود بین متغیرها به نمایش در می آید، شدت این روابط نیز آشکار می گردد. در تحلیل مسیر در تحقیق با استفاده از آماره رگرسیون عواملی که بیشترین تاثیر را داشته اند، مشخص می شوند. ضریب همبستگی چندگانه ($r = 0.98$) توسعه و ضریب تعیین ($r^2 = 0.95$) نشان می دهد که از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل مطرح شده تفسیر می شود.



بر اساس نمودار شماره ۱، متغیر آموزش با ۸۳ درصد بیشترین تأثیر، بعد از آن کارآفرینی با ۷۸ درصد و سرمایه اجتماعی با ۷۴ درصد، بیشترین تأثیر و در واقع تأثیر مستقیم بر توسعه داشته اند. متغیر رسانه و انگیزه پیشرفت تأثیرات غیر مستقیم داشته اند. در واقع انگیزه پیشرفت بر کارآفرینی و رسانه بر آموزش تأثیر داشته اند که ضرایب تأثیر آن ها در مدل بیان شده است.

نتیجه گیری:

در این تحقیق با استفاده از نظریه ها، متغیرهای استخراج شده از آن ها و تأیید آن ها در نمونه مورد بررسی مشخص شد که با توجه به نتایج تحقیق حاضر، توسعه شهری محقق نمی شود مگر اینکه بنیان های انسانی توسعه را بهبود ببخشیم. رسانه به عنوان یکی از شاخص های توسعه شهری است که در فرضیات این تحقیق آورده شده و درباره آن بررسی انجام گرفت، اما رابطه آن با توسعه شهری معنی دار نبود و در تحلیل مسیر دیده شد که این عامل تأثیر غیر مستقیم بر توسعه و تأثیر مستقیم بر

آموزش دارد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که رسانه‌ها از طریق آموزش، نقش آگاهی دهنده را انجام می‌دهند و به این ترتیب در روند توسعه مؤثر واقع می‌شوند.

رابطه بین آموزش و تخصص در توسعه نیز مسأله مهمی است که نتایج تحقیق، وجود این رابطه را تأیید می‌کند. بنابر نتایج تحلیل که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام شده نشان می‌دهد که هر چه بر میزان تخصص پاسخگویان افزوده شود به همان میزان بر نگرش آن‌ها و گرایش به توسعه شهری افزوده می‌شود. فرضیه مذکور، در دیدگاه‌های مالتوس، شولتز، بکر، سینگر، آدام اسمیت، لیست و مایر نیز تأیید شده است. همچنین نتایج مدل تحلیل مسیر نشان داد که مهم‌ترین عامل مؤثر در توسعه، متغیر آموزش و تخصص می‌باشد.

فرضیه بعدی، رابطه بین کارآفرینی و انگیزه پیشرفت و رسیدن به توسعه اجتماعی - اقتصادی را مورد سنجش قرار داد و وجود ارتباط دو متغیر تأیید شد. نتایج تحلیل این فرضیه، با نتایج تحقیقات مک کلهاند (۱۹۷۵)، مورای (۱۹۸۳) و گیج و برلایر (۱۹۹۲) مطابق است. نتایج تحلیل مسیر نیز، نشان می‌دهد که کارآفرینی یکی از سه متغیری است که به صورت مستقیم بر توسعه تأثیر داشته است. بنابراین، باید اذعان کنیم که امروزه کارآفرینی بعنوان یک ضرورت و الزام برای برون رفت از مسایل و مشکلات ایجاد شده و نیز یک راهبرد اصولی در مواجهه با شرایط نوین از سوی کشورها انتخاب شده، از آن به سبک نوین زندگی کردن در هنگامه هزاره جدید و گیر و دار عصر اطلاعات نام برده می‌شود.

نتایج بدست آمده از تحقیق، وجود رابطه بین مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی را تأیید می‌کند. در نتایج تحلیل مسیر متغیر مشارکت اجتماعی سومین عامل مؤثر در بین متغیرهای مستقل موجود می‌باشد. همچنین رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه معنی دار بوده است. در تحقیقات جیمز کلمن (۱۹۸۴) و فوکویاما (۱۹۹۵) نیز این مسأله تأیید شده است. نوع رفتار دولت تأثیر به‌سزایی بر روند افزایشی و کاهش سرمایه اجتماعی دارد؛ به طوری که رویکرد شفاف‌سازی در حکومت‌های دموکراتیک موجب افزایش سرمایه اجتماعی و روند محافظه‌کارانه، موجب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. افزایش بهره‌وری عوامل تولید از جمله مهم‌ترین تأثیرات سرمایه اجتماعی بر مناسبات اقتصادی است و راز آن در کاهش هزینه‌های تولید و مبادلات اقتصادی نهفته است، زیرا در فضای پر از اعتماد، دیگر نیازی به هزینه‌های اضافی برای جلب اعتماد طرفین در مبادلات نیست و سرعت و سهولت مبادلات افزایش می‌یابد. همچنین سرمایه اجتماعی بر افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز تأثیرگذار است، زیرا با رعایت هنجارها و کاهش رفتارهای سودجویانه و فرصت‌طلبانه، انگیزه برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. در مقابل، عدم وجود سرمایه اجتماعی کافی می‌تواند منجر به خروج سرمایه از اقتصاد شود، همان‌گونه که حقوق مالکیت، فضای مناسبی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات تولید ایجاد می‌کند، سرمایه اجتماعی نیز فضای مناسبی را هم برای سرمایه‌گذاری فیزیکی و هم برای سرمایه‌گذاری انسانی فراهم می‌کند و افراد با داشتن اطمینان بیشتر از حقوق مالکیت فکری، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند و همچنین بازدهی بیشتری را برای تحصیلات و سرمایه‌های انسانی به همراه دارد.

علاوه بر اینها، با توجه به محل سکونت نیز پاسخگویان مورد سوال قرار گرفتند برای اینکه بینیم بین محل سکونت با نگرش به توسعه رابطه وجود دارد یا خیر. بدین منظور پاسخگویان به سه دسته بالا، پایین و مرکز تقسیم شدند و با استفاده از آزمون خی دو مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج تحلیل نشان می‌دهد با سطح معناداری (۰/۰۰۰) میان محل سکونت پاسخگویان و نگرش به توسعه رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه افراد در سطح بالاتری قرار داشته باشند، بر نگرش آن‌ها بر توسعه شهری تأثیرگذاری بیشتری دارد.

منابع:

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴): جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، تهران.
۲. بی ماتور، کانوار و تیمور محمدی (۱۳۷۶): ارتباطات برای توسعه و تغییر اجتماعی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۳. ساخاروپولوس، جرج (۱۳۷۱): تأثیر اقتصادی آموزش، ترجمه: علی اعظم محمد بیگی، انتشارات مرکز تحقیقات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران.
۴. سبحانی، حسن (۱۳۷۱): «بازدهی سرمایه گذاری های آموزشی، مجله تحقیقات اقتصادی»، شماره ۴۵، صص ۷۶-۸۹.
۵. ستاری فر، محمد (۱۳۷۴): درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۶. سوری، علی و نادر مهرگان (۱۳۸۶): «نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۲، صص ۲۰۷-۲۱۹.
۷. شاطریان، محسن (۱۳۸۸): تحولات فضایی جمعیت شهرستان کاشان در نیم سده اخیر، انتشارات دعوت، چاپ اول، تهران.
۸. شولتز، ثئودور (۱۳۷۰): سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، ترجمه: محمود متوسلی، انتشارات موسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.
۹. صادقی، مسعود و مصطفی عمادزاده (۱۳۸۲): «برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سال های ۱۳۴۵-۱۳۸۰»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۷، صص ۹۸-۷۹.
۱۰. عسگری، علی (۱۳۸۰): نقش شهرها در بهره وری و رشد اقتصاد ملی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۷، صص ۱۰-۱۸.
۱۱. فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۰): درآمدی بر نظریه های رشد و توسعه اقتصادی، انتشارات البرز، تهران.
۱۲. گیج، نیت و دیوید برلاینر (۱۳۷۴): روان شناسی تربیتی، ترجمه: غلامرضا خوی نژاد و همکاران، انتشارات حکیم فردوسی، مشهد.
۱۳. لرنر، دانیل (۱۳۸۳): گذر جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه، ترجمه: غلامرضا خواجه سروری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۱۴. لیست، فردریک (۱۳۷۰): نظام ملی اقتصاد سیاسی، ترجمه: ناصر معتمدی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۵. مایه، پیر (۱۳۷۸): رشد اقتصادی، ترجمه: علی محمد فاطمی قمی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۶. متوسلی، محمود (۱۳۷۰): سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، انتشارات موسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.
۱۷. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۴): جامعه اطلاعاتی، اندیشه های بنیادی، دیدگاه های انتقادی و چشم اندازهای جهانی، انتشارات مرکز پژوهش های ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۸. نظری، مرتضی (۱۳۸۹): هویت انسانی و توسعه، انتشارات مشق شب.
۱۹. ولز، کریس، رونالد اینگهارت و هانس دیتر کلینگمان (۱۳۸۲): توسعه انسانی نظریه ای درباره تغییر اجتماعی، ترجمه: هادی جلیلی، طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
20. Coleman, J. (1988): Social Capitan in the Creation of Human Capital, *American Journal of Sociology*, No 9.
21. Fukuyama, F. (1995): *Trust: the Social Virtues and Creation of Personality*, New York, Free Press.
22. Krishna, A. and Shrader, E. (1999): *Social Capital Assessment Tool*, Conference Paper for Conference on Social Capital and Poverty Reduction, The World Bank.
23. McClelland, D.C.(1975): *Power: The inner experience*. New York: Irvington Publishers, Inc.
24. Mincer, J. (1985): Investment human capital ant personal income distribution, *Journal Political Econ.* LXVI, No 1.
25. Schultz, T.W. (1961): *Investment in Human Capital. American Economic Review.* Vol.51.